

Identifying and Prioritizing Effective Factors on Entrepreneurship Training for Iraqi Students in the Direction of Self-Employment

Haidar Sabri Asad^{✉1} 

1. Department of Computer, College of Science, Garmian University, Kalar, Iraq.
(Corresponding Author). E-mail: haidar.asad@garmiean.edu.krd

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 24 Nov 2023

Received in revised form:
12 Dec 2023

Accepted: 13 Dec 2023

Available online: 13 Dec
2023

Keywords:

Entrepreneurship
Education;
Self-Employment;
Entrepreneurial
Management;
Iraq.

ABSTRACT

The current research was conducted with the aim of identifying and prioritizing the effective factors on teaching entrepreneurship to students for self-employment in Iraq. The approach governing the research was mixed, in which the inductive content analysis method was used in the qualitative part and the survey method was used in the quantitative part. The population studied in both the qualitative and quantitative part of the research included managers, experts and professors of management and entrepreneurship in Iraqi universities, which was achieved by using the purposeful and snowball sampling method and with 22 in-depth interviews and data saturation in the qualitative part. In the quantitative part of the research, using a researcher-made questionnaire from the results of the qualitative part of the research, 110 experts in a targeted way were selected and the concepts and categories extracted from the qualitative stage were evaluated and prioritized among the interviewed elites and other related elites. The results of the qualitative part indicated that the priority of the categories showed that the category the strategies of government and the Ministry of Science regarding the development of entrepreneurship (GH) in the first rank and then the category of factors related to students (ST) in the second rank and factors related to society (SO) and factors related to teachers (TE) are in the third and fourth ranks of priority. Also, factors related to teaching tools and methods (TM) and factors related to universities (CA) were ranked next. Based on the results, in order to improve entrepreneurship education among Iraqi students, those involved in macro and micro levels including the government, society, universities, and the students must prepare the background of the improvement in entrepreneurship education. According to the results, the refining strategies, updating the tools and approaches of education, and improving the attitude of students and society are suggested.

Education and Management of Entrepreneurship, 2023, Vol. 2, No. 3, pp 35-54

Cite this article: Sabri Asad, H. (2023). Identifying and Prioritizing Effective Factors on Entrepreneurship Training for Iraqi Students in the Direction of Self-Employment. *Education and Management of Entrepreneurship*, 2 (3), 35-54. doi: 10.22126/eme.2023.9815.1060 (in Persian).



© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22126/eme.2023.9815.1060>

Publisher: Razi University

شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی برای دانشجویان عراقی در جهت خوداشتغالی

حیدر صبری اسد^۱ 

۱. گروه کامپیوتر، دانشکده علوم، دانشگاه گرمیان، کلار، عراق.

(نویسنده مسئول). رایانامه: haidar.asad@garmiean.edu.krd

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله علمی - پژوهشی تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲ دسترسی آنلاین: ۱۴۰۲/۰۹/۲۲ کلیدواژه‌ها: آموزش کارآفرینی، خوداشتغالی، مدیریت کارآفرینی، عراق.	پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی برای دانشجویان عراقی در جهت خوداشتغالی در عراق انجام شده است. رویکرد حاکم بر پژوهش آمیخته بود که در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا و در بخش کمی از روش پیمایشی استفاده شد. جامعه مورد مطالعه در دو بخش کیفی و کمی پژوهش، شامل خبرگان حوزه مدیریت و کارآفرینی در دانشگاه‌های عراق بودند که در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله‌برفی با تعداد ۲۲ نفر مصاحبه انجام و اشباع داده‌ها حاصل گردید. در بخش کمی پژوهش نیز پرسشنامه محقق ساخته حاصل از نتایج بخش کیفی، در میان ۱۱۰ نفر از خبرگان با استفاده از روش هدفمند توزیع و در نهایت مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از مرحله کیفی مورد ارزیابی و اولویت‌بندی قرار گرفتند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که مقوله‌ها به ترتیب شامل استراتژی‌های دولت و وزارت علوم در خصوص توسعه کارآفرینی (GH)، عوامل مربوط به دانشجویان (ST)، عوامل مربوط به جامعه (SO)، عوامل مربوط به مدرسان (TE)، عوامل مربوط به ابزار و شیوه آموزش (TM) و عوامل مربوط به دانشگاه‌ها (CA) بودند. بر اساس نتایج، به‌منظور توسعه آموزش کارآفرینی در بین دانشجویان عراقی باید کلیه دست‌اندرکاران در دو سطح کلان و خرد از قبیل دولت، جامعه، دانشگاه‌ها و دانشجویان زمینه بهبود آموزش کارآفرینی را محیا کنند. اصلاح استراتژی‌ها، به‌روزرسانی ابزارها و شیوه‌های آموزش و بهبود نگرش دانشجویان و جامعه مبتنی بر یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌گردد.

آموزش و مدیریت کارآفرینی، دوره ۲، شماره ۳، سال ۱۴۰۲، صفحات ۵۴-۳۵

استناد: صبری اسد، حیدر (۱۴۰۲). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی برای دانشجویان عراقی در جهت خوداشتغالی. آموزش و مدیریت کارآفرینی، ۲ (۳)، ۵۴-۳۵. doi: 10.22126/eme.2023.9815.1060

نویسندگان ©
DOI: <https://doi.org/10.22126/eme.2023.9815.1060>

ناشر: دانشگاه رازی

مقدمه

امروزه آموزش، کلید توسعه ملی است (لین و همکاران^۱، ۲۰۲۳؛ سونگ^۲، ۲۰۲۳؛ ماینا^۳، ۲۰۱۴). بدون وجود آموزش عالی و مؤسسات تحقیقاتی مناسب برای پرورش افراد دارای مهارت و تحصیلات حیاتی، هیچ کشوری نمی‌تواند توسعه درون‌زا و پایدار را تضمین نماید (هنری و لوئیس^۴، ۲۰۱۸). از این‌رو آموزش عالی باکیفیت، قلب هر کشور برای دستیابی به پیشرفت در زندگی روزمره محسوب می‌شود (محمود^۵، ۲۰۱۳). به بیان دیگر، آموزش عالی در جامعه نقش مهمی دارد زیرا دانش جدیدی ایجاد می‌کند، آن را به دانشجویان منتقل می‌کند و باعث خلاقیت و نوآوری می‌شود (مختاری بایع کلایی و کهن قاضیانی، ۱۴۰۲؛ پاترا و همکاران^۶، ۲۰۲۱). در این راستا، مؤسسات آموزش عالی بازیگران اصلی تولید و انتشار دانش از طریق تحقیق و آموزش هستند و مسئولیت اجتماعی منحصربه‌فردی را در پرورش ارزش‌های شهروندی و مشارکت مدنی بر عهده دارند.

آن‌ها همچنین تولیدکننده سرمایه انسانی هستند که توسط کارفرمایان در بازار کار تقاضا می‌شود و برای پیشرفت اجتماعی و اقتصادی حیاتی است (وانگ و همکاران^۷، ۲۰۲۳؛ محمود، ۲۰۱۳). به گفته پاترا و همکاران (۲۰۲۱)، آموزش این فرصت را برای گیرنده فراهم می‌کند تا در رابطه با تغییرات در جامعه، خود را سازگار نماید؛ به عبارت دیگر، آموزش ابزاری حیاتی است که افراد را قادر می‌سازد تا با چالش‌های جامعه و زندگی روبه‌رو شود (لی و همکاران^۸، ۲۰۲۳؛ صبا و همکاران، ۱۴۰۲). این چالش‌ها مربوط به وسایل معیشتی برای تبدیل شدن به یک شهروند بهتر و مفید برای خودش و کل جامعه است (میکو و کانگو^۹، ۲۰۲۳؛ انجی^{۱۰}، ۲۰۲۰؛ بکیگالاپو و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۶).

این در حالی است که کشور عراق با بیش از ۸۰۰۰ سال قدمت، در گذشته از نظر کیفیت برنامه‌های اجتماعی خود در بین کشورهای عربی پیش‌تاز بود. این کشور، در سال‌های اخیر با مجموعه‌ای از درگیری‌ها روبه‌رو شده است که منجر به زوال سریع و همه‌جانبه زیرساخت‌ها و خدمات اجتماعی اساسی شده است (محمود، ۲۰۱۳). یکی از حوزه‌های بنیادی که دچار زیان‌های جبران‌ناشدنی شده است، سیستم آموزشی این کشور است؛ سیستم آموزشی عراق به دلیل درگیری‌های متعدد مانند جنگ ایران و عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰)، جنگ خلیج فارس (۱۹۹۱-۱۹۹۹) متعاقب آن تحریم‌های اعمال‌شده در ارتباط با رژیم صدام حسین^{۱۲}، تهاجم آمریکا به عراق (۲۰۰۳) و ناآرامی‌های طولانی‌مدت حاصل از آن، با چالش‌های زیادی در حوزه آموزش سر و کار دارد (دیکسون و لادفوغد^{۱۳}، ۲۰۱۷؛ دراو و مکی^{۱۴}، ۲۰۱۱؛ محمود، ۲۰۱۳).

از جمله چالش‌هایی که سیستم آموزش این کشور با آن مواجه است، ضعف در حوزه‌های مختلف از جمله زیرساخت‌ها، کیفیت سیستم آموزشی، کادر علمی و صلاحیت اعضای هیأت‌علمی، کتاب‌های درسی،

1. Lin et al.
2. Song
3. Maina
4. Henry & Lewis
5. Mahmud
6. Putra et al.
7. Wang et al.
8. Li et al.
9. Miço & Cungu
10. Nji
11. Bacigalupo et al.
12. Saddam Hussein held the office of President of Iraq from 1979 to 2003.
13. Dickson & Ladefoged
14. Drew & Mackie

پژوهش‌های علمی و انتشارات، مؤسسات آموزش و پرورش و بازارهای کار، مؤسسات آموزش دولتی، کارکنان آموزشی و کیفیت فارغ‌التحصیلان است (اولاتوس و همکاران^۱، ۲۰۲۳؛ محمود، ۲۰۱۳). میراث به‌جا مانده از این سال‌ها غفلت بهبود سیستم آموزشی و چالش‌های عمیق بیکاری است که مردم عراق را درگیر خود کرده است؛ به‌طوری‌که سطح بالای بیکاری به یکی از اصلی‌ترین نگرانی‌های اجتماعی و اقتصادی در عراق تبدیل شده است (عزیز^۲، ۲۰۱۴). به گفته کارشناسان، از جمله مهم‌ترین راهکارهای کاهش بیکاری، بهبود زیرساخت‌های آموزشی و افزایش مهارت خوداشتغالی در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است که در این راستا آموزش کارآفرینی می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد (اویولا و همکاران^۳، ۲۰۱۴).

آموزش کارآفرینی را می‌توان یک نیاز اساسی برای احیای جامعه از معضل بیکاری دانست؛ چراکه آموزش کارآفرینی در کنار سایر آموزش‌های دانشگاه‌ها به‌نوعی هدایت‌کننده به سمت چرخه تولید و اشتغال است (عزیز، ۲۰۱۴). به‌طوری‌که مطالعات نشان می‌دهد آموزش کارآفرینی به توسعه قصد کارآفرینی کمک کرده و رفتارهای کارآفرینانه مانند راه‌اندازی یک کسب‌وکار را تقویت می‌کند (فایول و همکاران^۴، ۲۰۰۶؛ نابی و همکاران^۵، ۲۰۱۷؛ صالح و ادریس^۶، ۲۰۱۹). چنانچه بر اساس داده‌های آماری سرشماری ایالات متحده (۲۰۱۰-۲۰۱۶)، اداره تجارت بین‌المللی (۲۰۱۵) و اداره کسب‌وکارهای کوچک ایالات متحده (۲۰۱۸)، تقریباً ۳۰ میلیون کسب‌وکار کوچک، توسط کارآفرینان در ایالات متحده اداره می‌شود؛ افزون بر این، نظرسنجی سالانه کارآفرینان (۲۰۱۶) اداره سرشماری ایالات متحده نشان می‌دهد که ۵/۶ میلیون شرکت در ایالات متحده وجود دارد که جزء مشاغل کوچک به شمار می‌روند و صاحبان این مشاغل کوچک که کارآفرین هستند، ۴۷/۵٪ از کارکنان ایالات متحده را استخدام می‌کنند، سالانه ۱/۹ میلیون شغل جدید ایجاد می‌کنند و ۳۲/۹٪ از ۱/۳ تریلیون دلار در کالاهای صادراتی ایالات متحده مشارکت دارند (سونگ، ۲۰۲۳).

همچنین پژوهش‌های مختلفی از قبیل فایولا و همکاران (۲۰۰۶)؛ نابی و همکاران (۲۰۱۷) و صالح و ادریس (۲۰۱۹) بر اهمیت کارآفرینی در جهت کاهش نرخ بیکاری و خوداشتغالی تأکید داشته‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت رفع معضل بیکاری و ایجاد و تقویت راهکارهای اشتغال‌زایی و خوداشتغالی و حرکت به سمت توسعه همه‌جانبه جامعه، نیاز به تربیت و آموزش افراد ماهر، کارآفرین، کارآمد و خلاق را دوچندان کرده است (فایول و همکاران، ۲۰۰۶). این مهم ضرورت توجه دانشگاه‌ها به آموزش کارآفرینی به‌عنوان یک کارکرد محوری در کنار آموزش و پژوهش، فراهم‌سازی زمینه مساعد برای اشتغال‌زایی دانشجویان و تسهیل فرایند خوداشتغالی بعد از فارغ‌التحصیلی بیش از پیش اهمیت یافته است. از این‌رو پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی برای دانشجویان عراقی جهت خوداشتغالی کدام‌اند و اولویت‌بندی این عوامل به چه صورت می‌باشد؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

استراتژی توجه به بنگاه‌های کوچک و متوسط^۷ (SMEs) برای ایجاد فرصت‌های شغلی و ایجاد درآمد به‌طور گسترده توسط جامعه بین‌المللی پذیرفته شده و به‌عنوان محرکی برای رشد در اقتصادهای نوظهور مورد تأیید

1. Olutuase et al.

2. Aziz

3. Oyelola et al.

4. Fayolle et al.

5. Nabi et al.

6. Saleh & Idris

7. Small & Medium Enterprises (SMEs)

قرار گرفته است (مکی و همکاران^۱، ۲۰۱۹). تعاریف زیادی از کارآفرینی شده است اما بیش تر به عنوان یک انگیزه و تصمیم فردی برای ریسک کردن در ایجاد و حفظ یک تجارت رشد محور و سودآور تعریف می شود (سیپتونو و همکاران^۲، ۲۰۲۳؛ منافی و همکاران^۳، ۲۰۲۳؛ موکایا و همکاران^۴، ۲۰۱۲).

بسیاری از صاحب نظران معتقدند که از عمده ترین عوامل تعیین کننده سطح کارآفرینی در هر کشوری، آموزش کارآفرینی است؛ بنابراین پژوهشگران ذی ربط بر این باورند که باید بر آموزش کارآفرینی توجه ویژه ای شود (نیکیتینا و همکاران^۵، ۲۰۲۳؛ تودام و همکاران^۶، ۲۰۲۳؛ والریو و همکاران^۷، ۲۰۱۴).

آموزش کارآفرینی که به آموزش با هدف افزایش دانش و مهارت های کارآفرینی اشاره دارد و دانشجویان را به دنبال کارآفرینی تشویق می کند (مایهيو و همکاران^۸، ۲۰۱۶)، اولین بار در سال ۱۹۴۷ در مدرسه بازرگانی هاروارد ارائه شد. ایده توجه به آموزش کارآفرینی، شور و شوق زیادی در چند دهه گذشته ایجاد کرده است به طوری که تعداد دوره های آموزش کارآفرینی ارائه شده در دانشگاه های ایالات متحده چهار برابر شده (نابی و همکاران، ۲۰۱۷) و اثرات زیادی چون رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال و رشد فردی را نمایان کرده است (لاکیوس، ۲۰۱۵) که حاکی از اهمیت کارآفرینی در تقاضای کارآفرینان و مشارکت آن ها در اقتصاد و بازار کار است (فایول و همکاران، ۲۰۰۶).

ایجاد ظرفیت کارآفرینی نیازمند همکاری دولت، بخش خصوصی و مؤسسات آموزشی است (بارتنیک^۹، ۲۰۱۷). از سوی دیگر، دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی، مسئولیت عمده ای در توجه به قابلیت اشتغال فارغ التحصیلان به عنوان شاخص موفقیت در دستیابی به اهداف برنامه های خود دارند. پرورش فرهنگ کارآفرینی در میان فارغ التحصیلان دانشگاهی موضوعی است که در آموزش عالی مدرن اولویت دارد (گربا^{۱۰}، ۲۰۱۲) و توسعه ذهنیت فرصت گرا در دانشجویان بسیار حیاتی تلقی می شود. در حال حاضر کارآفرینی به دلیل پتانسیل و ظرفیتی که برای ایجاد فرصت های شغلی دارد، به عنوان یک چرخ دنده در توسعه اجتماعی-اقتصادی کشورها عمل می کند (مصطفی و سلواراجو^{۱۱}، ۲۰۱۵).

دانشگاه ها هم در حمایت از تحقیق و توسعه و هم در آموزش کارآفرینی به دانشجویان نقش حیاتی دارند (مختاری بایع کلایی و کهن قاضیانی، ۱۴۰۲). اهمیت آموزش کارآفرینی دانشگاهی در این است که این یک گام اساسی در آماده سازی دانشجویان برای دنیای کسب و کار با آموزش نحوه راه اندازی یک کسب و کار است (آبریجو^{۱۲}، ۲۰۱۵). دو رویکرد عمده در آموزش کارآفرینی رسمی وجود دارد. یک رویکرد نظری و سنتی است که در آن، سخنرانی ها و سمینارها به روش غیرفعال ارائه می شود و دانشجویان را «جعبه های خالی» می داند که آموزش دهنده می تواند این جعبه خالی را با سخنرانی های ارائه شده پر کند. این روش نظری و سنتی با عدم

1. Makki et al.

2. Ciptono et al.

3. Manafe et al.

4. Mokaya et al.

5. Nikitina et al.

6. Thoudam et al.

7. Valerio et al.

8. Mayhew et al.

9. Bartnick

10. Gerba

11. Mustapha & Selvaraju

12. Abereijo

تمرکز بر فن‌آوری‌های مدرن و شیوه‌های نوآوری در انجام کسب‌وکار مورد انتقاد قرار گرفت. رویکرد جایگزین یک روش هدف‌گرای پویا است که دانشجویان را با مهارت‌های عملی مورد نیاز برای شروع یک تجارت مانند نوآوری، اتکا به خود، حل مسئله، ابتکار عمل و ارتباطات مجهز می‌کند. این یک رویکرد یادگیری از طریق انجام و تمرین چالش‌های زندگی واقعی هنگام راه‌اندازی استارت‌آپ شخصی است (مکی و همکاران، ۲۰۱۹).

در پژوهش‌های اخیر نیز نشان داده شده که آموزش کارآفرینی به نگرش‌های ریسک‌پذیری، شکل‌گیری کسب‌وکار جدید و تمایل به خوداشتغالی کمک می‌کند (اندو و همکاران^۱، ۲۰۲۱)؛ به‌طوری‌که آموزش کارآفرینی باید اهداف دوگانه‌ای را دنبال کند. از یک‌سو، دانشجویان یاد بگیرند که مسئولیت بیش‌تری در قبال خود و یادگیری خود بپذیرند، تلاش کنند به اهداف خود دست یابند، خلاق باشند، فرصت‌های موجود را کشف کنند و در یک جامعه پیچیده باهم کنار بیایند و از سوی دیگر، آن‌ها باید بتوانند نقش فعالی در بازار کار داشته باشند و کارآفرینی را به‌عنوان یک انتخاب شغلی طبیعی در نظر بگیرند (سیکولا-لینو و همکاران^۲، ۲۰۱۹؛ گیب^۳، ۲۰۰۵).

دوره‌های کارآفرینی در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی در منطقه کردستان تدریس می‌شود، اما همه مدارس و مؤسسات علوم اجتماعی منطقه به آن‌ها توجه و منابع کافی نمی‌دهند به‌طوری‌که رویکردهای آموزشی به‌روز نیستند و درس کارآفرینی به‌عنوان یکی از دروس اصلی برای دانشجویان همه رشته‌ها تعریف نشده است (مکی و همکاران، ۲۰۱۹).

این در حالی است که نگرش نسبت به کار در میان مردم (در منطقه) که برای مدت طولانی به دولت و بعداً بخش خصوصی به‌عنوان کارفرمایان اصلی وابسته بودند، نتایج نگران‌کننده‌ای را به همراه داشت. آخرین بررسی جمعیت‌شناختی در مورد منطقه کردستان نشان می‌دهد که نرخ بیکاری جوانان ۱۸ تا ۲۴ سال ۲۸/۸٪ است و جمعیت ۲۰ ساله و کمتر، تقریباً نیمی از جمعیت ساکنان منطقه را تشکیل می‌دهد و طی بیست سال آینده به سن کار خواهند رسید و به دنبال شغل خواهند بود، یعنی حدود ۴۳۰۰۰ تا ۵۴۰۰۰ شغل جدید برای حفظ اشتغال جمعیت در سن کار مورد نیاز است (مکی و همکاران، ۲۰۱۹) که این سنگینی مسئولیت، فراتر از تلاش دولت و بخش خصوصی است که باید با آن روبه‌رو شوند بلکه به یک پایگاه قوی از طرز فکر کارآفرینی نیاز دارد که در آن افراد به‌جای این‌که جوای کار باشند، خود ایجاد اشتغال کنند؛ بنابراین این پژوهش به بررسی عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی برای دانشجویان عراقی در جهت خوداشتغالی می‌پردازد. در ادامه به پژوهش‌های مرتبطی که در این زمینه انجام گرفته، پرداخته شده است.

میکو و کانگو (۲۰۲۳) پژوهشی با هدف بررسی مکانیسم‌های تأثیرگذار کسب شایستگی در آموزش کارآفرینی و نحوه اجرای این شایستگی در مدارس پیش‌دانشگاهی در آلبانیایی به‌صورت کمی و از طریق نظرسنجی آنلاین انجام دادند. آن‌ها بیان کردند که آموزش معلمان سبب می‌شود که شایستگی آن‌ها در سطح حرفه‌ای افزایش یابد. علی^۴ (۲۰۲۳) در بررسی مهارت‌های کارآفرینی جهت توانمندسازی فارغ‌التحصیلان در دانشگاه‌های عراق در جهت خوداشتغالی با استفاده از روش کیفی به این نتیجه رسید که تقویت برنامه کارآفرینی ابزاری حیاتی در رسیدگی به بیکاری جوانان است؛ اما در کنار تقویت کارآفرینی باید عامل‌های دیگری مانند

1. Ndou et al.

2. Seikkula-Leino et al.

3. Gibb

4. Ali

افزایش آگاهی جامعه، مشارکت ذی‌نفعان و استقلال مالی را نیز در نظر گرفت.

بیگم و بایسیرو^۱ (۲۰۲۳) در بررسی ادراکات عراقی‌ها در مورد اثربخشی سیستم آموزشی رسمی در ارائه مهارت‌ها و آموزش‌های لازم برای تضمین شغل و متکی شدن به خود، با استفاده از داده‌های ارزش‌های جهانی که شامل سه متغیر مرتبط با نظام آموزشی و مهارت‌های رسمی ضروری است و جنسیت، سن و سطح تحصیلات پاسخ‌دهندگان را به‌عنوان تعدیل‌کننده در نظر گرفتند، دریافتند بیش از ۵۰٪ از پاسخ‌دهندگان از مهارت‌های ارائه شده توسط سیستم آموزشی رسمی برای تأمین شغل، انجام مؤثر وظایف خود یا متکی شدن به خود ناراضی هستند و نیاز داشتند که در مهارت‌های ارائه شده تجدید نظر صورت گیرد.

شاه و همکاران^۲ (۲۰۲۰) آموزش کارآفرینی را به‌عنوان متغیر تعدیل‌کننده‌ای در شکل‌گیری اهداف کارآفرینی در نظر می‌گیرند. پژوهش آنان با استفاده از روش توصیفی همبستگی، نتایجی را نشان داد که حاکی از آن بود که نگرش نسبت به کارآفرینی، هنجارهای ذهنی و خودکارآمدی پیش‌بینی‌کننده‌های مهم اهداف کارآفرینی هستند که آموزش کارآفرینی با تقویت ضرایب مسیر نگرش نسبت به کارآفرینی و خودکارآمدی، این رابطه را تعدیل می‌کند و در همان زمان ضریب مسیر هنجارهای ذهنی را ضعیف می‌کند.

ادویل و همکاران^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی نقش آموزش کارآفرینی و نظرات دانشجویان در مورد خوداشتغالی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی بین‌المللی در دانشگاه اوتارا مالزی با استفاده از روش توصیفی همبستگی پرداختند. نتایج نشان داد آموزش کارآفرینی به معنای دانش فنی و نوآوری، بر دیدگاه دانشجویان در مورد خوداشتغالی تأثیر می‌گذارد. با این حال، برخلاف پیش‌بینی، نتیجه رابطه ناچیزی را بین مهارت‌های ارتباطی و دیدگاه‌های مربوط به خوداشتغالی نشان می‌دهد. الدهان و همکاران^۴ (۲۰۱۸) با بررسی تأثیر ابعاد یادگیری استراتژیک بر کارآفرینی دانشگاهی برای مؤسسات آموزش عالی عراق با استفاده از رویکرد کمی، دریافتند دانشگاه تفسیر و ایجاد دانش استراتژیک برای کارآفرینی و اشتغال را تا حد بالایی ارائه می‌دهد، در حالی که اجرا و توزیع آن در درجه متوسط ارائه می‌شود؛ بنابراین با توجه به مطالعات و پژوهش‌هایی که در زمینه آموزش کارآفرینی مورد بررسی قرار گرفته‌اند چنین می‌توان بیان کرد که تاکنون پژوهشی که به بررسی عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی جهت خوداشتغالی دانشجویان در دانشگاه‌های عراقی به روش آمیخته پرداخته باشد انجام نشده است. لذا این پژوهش به دنبال شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی برای دانشجویان عراقی در جهت خوداشتغالی می‌باشد.

روش پژوهش

در این پژوهش از رویکرد آمیخته، از نوع متوالی -اکتشافی استفاده شده است که در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا برای شناسایی عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی و در بخش کمی از روش توصیفی -پیمایشی و آزمون فریدمن جهت تعیین اولویت عوامل شناسایی شده استفاده شد. جامعه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، شامل اساتید دانشگاه، کارشناسان، کارکنان سازمان‌های مرتبط با کارآفرینی و اشتغال‌زایی در کردستان عراق بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی تعداد ۲۲ نفر به‌عنوان نمونه (جدول ۱) انتخاب و اشباع داده‌ها حاصل گردید. جهت گردآوری داده‌ها در این پژوهش از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته و یادداشت‌برداری استفاده

1. Begum & Basiru

2. Shah et al.

3. Odewale et al.

4. Aldahhan et al.

گردید. روایی و پایایی ابزار پژوهش با استفاده از تکنیک کنترل اعضا و بررسی همکار مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. در بخش کمی پژوهش نیز با استفاده از یافته‌های به‌دست‌آمده از بخش کیفی پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته طراحی گردید و روایی آن توسط اساتید و خبرگان این حوزه و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۳) سنجش و مورد تأیید قرار گرفت. جامعه آماری بخش کمی شامل دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های مرتبط با کارآفرینی، کارآفرینان، کارشناسان و اساتید دانشگاهی با تحصیلات مرتبط با کارآفرینی و اشتغال‌زایی است که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۱۸۰ نفر انتخاب و پرسش‌نامه بین آن‌ها توزیع شد که پس از جمع‌آوری و غربال، تعداد ۱۱۰ پرسش‌نامه تحلیل و مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۲). پس از جمع‌آوری و تکمیل پرسش‌نامه‌ها، از آزمون فریدمن جهت تعیین اولویت عوامل شناسایی شده از طریق نرم‌افزار SPSS²⁵ استفاده گردید.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی پژوهش

عنوان	تعداد	توضیحات	زمان مصاحبه‌ها
عضو هیأت‌علمی دانشگاه	۱۱	دانشگاه گرمیان، دانشگاه فنی شمال، دانشگاه امام جعفر	۷۰ تا ۱۳۰ دقیقه
مدیران	۵	با مدرک کارشناسی ارشد و بیش از ۲۰ سال سابقه	
کارشناسان	۶	با مدرک کارشناسی و بیش از ۵ سال سابقه	
جمع / میانگین	۲۲		۸۵ دقیقه

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان در بخش کمی پژوهش

متغیر	بعد	فراوانی	درصد	متغیر	بعد	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۷۳	۶۶	شغل	اساتید دانشگاهی	۲۵	۲۳
	زن	۳۷	۳۴		سایر*	۸۵	۷۷
تحصیلات	کارشناسی	۶۰	۵۴	سن	۲۰-۳۵ سال	۵۰	۴۵
	کارشناسی ارشد	۳۶	۳۳		۳۶-۵۰ سال	۴۲	۳۸
	دکتری	۱۴	۱۳		۵۱ سال به بالا	۱۸	۱۷

یافته‌ها

در گام اول به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با نخبگان کارآفرینی و آموزش کارآفرینی پرداخته شد. رویه تحلیل داده‌ها در این بخش تحلیل تماتیک بود. به کمک روش‌شناسی تحلیل محتوای استقرایی حاصل از مصاحبه‌های عمیق، نتایج کدگذاری در ۶ مقوله، ۲۰ مفهوم و ۷۴ کد باز تشریح شد و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی به دانشجویان عراقی با هدف خوداشتغالی شناسایی گردید. در جدول (۳) به‌صورت خلاصه، یافته‌های بخش کیفی پژوهش آمده است.

جدول ۳. کدگذاری عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی برای دانشجویان عراقی با هدف خوداشتغالی

کد	تکرار	مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه	مقوله‌ها
A01	۴	تدوین اهداف و محتواهای آموزشی بر اساس نیازهای جامعه (دانش، مهارت و نگرش)		
A02	۵	برنامه‌ریزی مناسب و طبقه‌بندی سرفصل‌ها		
A03	۲	پرداختن به جزئیات سرفصل‌ها	محتوای تدریس	عوامل مربوط به ابزار و شیوه آموزش (TM)
A04	۷	وجود مطالب و فعالیت‌های ضروری در کتاب‌های آموزشی		
A05	۱۲	تدوین محتوا با هدف بالا بردن اشتیاق کارآفرینانه		
A06	۱۰	تدوین محتوا با هدف بهبود مهارت‌های ادراکی		

ادامه جدول ۳. کدگذاری عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی برای دانشجویان عراقی با هدف خوداشتغالی

کد	تکرار	مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه	مقوله‌ها		
A07	۲	برگزاری تورهای خلاقیت و نوآوری در سطح شهر، دانشگاه‌ها و مدارس	شیوه تدریس	عوامل مربوط به ابزار و شیوه آموزش (TM)		
A08	۵	برگزاری جشنواره‌های خلاقیت				
A09	۲	تولید اسباب‌بازی‌ها، لوازم آموزشی، فیلم‌ها و نرم‌افزارهای افزایش خلاقیت و کارآفرینی				
A10	۳	برگزاری اردوهای تابستانی کارآفرینی (فصل تعطیل)				
A11	۳	برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه خلاقیت، مذاکره، اخلاق، کسب‌وکار				
A12	۲	حرکت از آموزش محتوا محوری به مسئله محوری				
A13	۳	استفاده از تکنیک‌های تقویت قدرت تفکر و تعقل فراگیران				
A14	۳	برنامه‌ریزی برای آموزش ریسک‌پذیری هدفمند				
A15	۱۴	دعوت از کارآفرینان جهت سخنرانی و انتقال تجربیاتشان به فراگیران به‌منظور تسهیل فرآیند تدریس				
A16	۹	معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور عراق، نیازهای بازار، مشتریان، کارفرمایان و بخش‌های مختلف اقتصادی و خدماتی				
A17	۶	ارزشیابی بر اساس اهداف کتاب			نحوه ارزشیابی	
A18	۶	توجه هم‌زمان به آزمون کتبی و فعالیت‌های عملی دانشجویان				
B01	۱۵	آشنایی کامل مدرسان با مفاهیم پایه کارآفرینی			مهارت و توانایی مدرسان	عوامل مربوط به مدرسان (TE)
B02	۱۰	توانایی ارتباط مؤثر با دانشجویان با تیپ‌های شخصیتی متفاوت				
B03	۱۳	توانایی ایجاد محیطی چالش‌انگیز، حمایتی و مثبت				
B04	۶	توانایی آشناسازی دانشجویان با مباحث کاربردی مثل معرفی سازمان‌های حمایتی				
B05	۶	توانایی ایجاد رقابت سازنده در دانش آموزان				
B06	۵	ترغیب فعالانه دانشجویان برای پیگیری ایده‌ها				
B07	۳	توانایی ایجاد اعتمادبه‌نفس در دانشجویان برای راه‌اندازی کسب‌وکار در آینده				
B08	۹	توانایی ارائه مشاوره شغلی به دانشجویان بر اساس استعداد آنان				
B09	۲	توانایی ارائه نقش‌من‌تور توسط مدرسان				
B10	۵	شناخت بازار				
B11	۴	تجربه عملی				
B12	۱۱	توانایی تغییر در بینش و رفتار دانشجویان				
B13	۳	استمرار در برگزاری دوره‌های موجود ضمن خدمت	برگزاری دوره‌های ضمن خدمت			
B14	۹	برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت عملی				
B15	۱۶	وجود نیروهای با توان به‌کارگیری روش تدریس متناسب با اهداف و محتوای کتاب‌های کارآفرینی	توازن کمیت و کیفیت مدرسان			
B16	۹	وجود نیروی متخصص باتجربه عملی برای تدریس				
B17	۱۴	وجود مدرسان با تحصیلات آکادمیک مرتبط با کارآفرینی				
C01	۶	نگرش مثبت دانشجویان به درس کارآفرینی	نگرش دانشجویان	عوامل مربوط به دانشجویان (ST)		
C02	۵	تمایل دانشجویان به کارآفرینی				
C03	۴	انگیزه دستیابی به استقلال مالی				
C04	۹	آمادگی ذهنی دانشجویان برای پذیرش فعالیت کارآفرینانه				
C05	۱۱	بسترسازی علمی و عملی در سال‌های گذشته برای تدریس به دانشجویان				
C06	۱۲	آشنایی دانشجویان با کار تیمی				

ادامه جدول ۳. کدگذاری عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی برای دانشجویان عراقی با هدف خوداشتغالی

کد	تکرار	مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه	مقوله‌ها	
C07	۳	انگیزه مثبت بالا	داشتن ویژگی‌های کارآفرینانه	عوامل مربوط به دانشجویان (ST)	
C08	۵	داشتن اعتمادبه‌نفس			
C09	۳	وجود استعدادهای کارآفرینی			
C10	۴	ریسک‌پذیری			
C11	۶	خلاقیت			
C12	۱	مهارت خرید و فروش			
C13	۳	ذهن خلاق و توانایی حل مسئله			
D01	۷	شروع آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی و متوسطه	طراحی برنامه‌ریزی آموزشی کارآفرین محور در دوران تحصیل	استراتژی‌های دولت و وزارت علوم در خصوص توسعه کارآفرینی (GH)	
D02	۲۲	آموزش دروس مرتبط عملی در دوران مدرسه			
D03	۳	پیگیری درس کارآفرینی در پایه‌های بالاتر			
D04	۶	تدریس درس کارآفرینی به‌صورت اجباری در تمامی مدارس و دانشگاه‌ها			
D05	۵	زیرساخت‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها			
D06	۶	بهبود بودجه و وضعیت مالی آموزش عالی و دانشگاه‌ها			
D07	۳	پشتیبانی معنوی			
D08	۷	ایجاد دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش کارآفرینی	اقدامات دولت برای تقویت چارچوب مقرراتی و زیرساختی حمایت‌کننده از کارآفرینان و سعی در بهبود فضای کسب‌وکار ارائه تسهیلات و حمایت مادی و غیرمادی از دانشجویان کارآفرین وجود سازوکارهای لازم در ساختار آموزش عالی جهت همکاری مؤثر با دانشگاه و صنعت تقویت سیستم مدیریت دانش در آموزش عالی		محیط آموزشی حرفه‌ای
D09	۵	اصلاحات ساختاری و نهادی برای توسعه کارآفرینی			
D10	۶	تقویت چارچوب مقرراتی و زیرساختی حمایت‌کننده از کارآفرینان و سعی در بهبود فضای کسب‌وکار			
D11	۹	ارائه تسهیلات و حمایت مادی و غیرمادی از دانشجویان کارآفرین			
D12	۱۲	وجود سازوکارهای لازم در ساختار آموزش عالی جهت همکاری مؤثر با دانشگاه و صنعت			
D13	۱	تقویت سیستم مدیریت دانش در آموزش عالی			
E01	۳	فضای مناسب کلاس‌ها برای تدریس روش‌های آموزش و انجام کار تیمی	محیط آموزشی حرفه‌ای	عوامل مربوط به دانشگاه‌ها (CA)	
E02	۳	تجهیز مدارس به تکنولوژی‌های آموزشی روز و مدرن			
E03	۵	ایجاد فضای رقابتی			
E04	۱۶	حمایت مدیران دانشگاه از کارآفرینی	گفتمان غالب به آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها		عوامل مربوط به جامعه (SO)
E05	۱۱	بها دادن و بحث در مورد بهبود مهارت‌های کارآفرینی در جلسات و برنامه‌ها			
E06	۳	تدریس درس کارآفرینی در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی			
E07	۸	وجود سرمایه انسانی غنی و مستعد با ذهنیت توسعه کارآفرینی			
F01	۷	آگاهی والدین دانشجویان با کارآفرینی و مزایای آن، برای ترغیب فرزندان	الگوهای تربیتی دانشجویان در خانواده	عوامل مربوط به جامعه (SO)	
F02	۶	متناسب بودن روش‌های تربیتی والدین برای کارآفرین شدن فرزندان			
F03	۵	وجود یک کارآفرین موفق به‌عنوان الگوی مناسب در خانواده دانشجویان			
F04	۲	فرهنگ‌سازی در میان مسئولان و مدیران آموزش عالی	فرهنگ کارآفرینی در جامعه		وجود نهادهای رسمی و غیررسمی حامی کارآفرینی در سطح جامعه و درون دانشگاه‌ها
F05	۶	ارزش و احترام نسبت به کارآفرینان			
F06	۴	توجه رسانه‌های اجتماعی به ترویج کارآفرینی			
F07	۲	استفاده از ظرفیت فضای مجازی جهت ترویج کارآفرینی و ترغیب دانشجویان به کارآفرینی	تبلیغات رسانه‌ها		
F08	۹	وجود نهادهای رسمی و غیررسمی حامی کارآفرینی در سطح جامعه و درون دانشگاه‌ها			

در گام دوم، عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی مستخرج از مرحله کیفی در بین نخبگان مصاحبه شده و سایر نخبگان مرتبط، مورد ارزیابی قرار گرفته تا با کمک آزمون اولویت‌بندی فریدمن و انجام تحلیل، اولویت آن‌ها مشخص شود. به‌منظور اولویت‌بندی مفاهیم اولیه، در نرم‌افزار SPSS²⁵، در ابتدا با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، نرمال بودن توزیع داده‌ها بررسی گردید. با توجه به نرمال نبودن داده‌ها از آزمون ناپارامتری فریدمن میزان اهمیت هر مفهوم معین و اولویت‌بندی گردید. آزمون فریدمن یک آزمون ناپارامتری است که پژوهشگران عموماً از این آزمون جهت رتبه‌بندی متغیرها استفاده می‌کنند. نتایج آن در جدول (۴) گزارش شده است.

جدول ۴. رتبه‌بندی با آزمون فریدمن جهت مفاهیم اولیه مربوط به ابزار و شیوه آموزش (TM)

رتبه اهمیت	نمره اهمیت	مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه
۱	۱۳/۶۱	تدوین اهداف و محتوای آموزشی بر اساس نیازهای جامعه (دانش، مهارت و نگرش)	محتوای تدریس
۸	۱۲/۰۱	برنامه‌ریزی مناسب و طبقه‌بندی سرفصل‌ها	
۱۸	۸/۹۱	پرداختن به جزئیات سرفصل‌ها	
۱۳	۱۰/۸۲	وجود مطالب و فعالیت‌های ضروری در کتاب‌های آموزشی	
۵	۱۲/۹۰	تدوین محتوا با هدف بالا بردن اشتیاق کارآفرینانه	شیوه تدریس
۴	۱۲/۹۴	تدوین محتوا با هدف بهبود مهارت‌های ادراکی	
۹	۱۱/۹۰	برگزاری تورهای خلاقیت و نوآوری در سطح شهر، دانشگاه‌ها و مدارس	
۱۴	۱۰/۲۳	برگزاری جشنواره‌های خلاقیت	
۱۵	۱۰/۰۲	تولید اسباب‌بازی‌ها، لوازم آموزشی، فیلم‌ها و نرم‌افزارهای افزایش خلاقیت و کارآفرینی	
۱۷	۹/۲۲	برگزاری اردوهای تابستانی کارآفرینی (فصل تعطیل)	
۱۱	۱۱/۱۲	برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه خلاقیت، مذاکره، اخلاق، کسب‌وکار	
۲	۱۳/۲۳	حرکت از آموزش محتوا محوری به مسئله محوری	
۶	۱۲/۵۶	استفاده از تکنیک‌های تقویت قدرت تفکر و تعقل فراگیران	
۱۲	۱۰/۹۰	آموزش ریسک‌پذیری هدفمند	
۷	۱۲/۲۳	دعوت از کارآفرینان جهت سخنرانی و انتقال تجربیاتشان به فراگیران به‌منظور تسهیل فرآیند تدریس	نحوه ارزشیابی
۳	۱۳/۲۰	معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور عراق، نیازهای بازار، مشتریان، کارفرمایان و بخش‌های مختلف اقتصادی و خدماتی	
۱۶	۹/۶۳	ارزشیابی بر اساس اهداف کتاب	
۱۰	۱۱/۵۲	توجه هم‌زمان به آزمون کتبی و فعالیت‌های عملی	

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که سه معیار «تدوین اهداف و محتوای آموزشی بر اساس نیازهای جامعه (دانش، مهارت و نگرش)»، «حرکت از آموزش محتوا محوری به مسئله‌محوری» و «معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور عراق، نیازهای بازار، مشتریان، کارفرمایان و بخش‌های مختلف اقتصادی و خدماتی» به ترتیب اولویت اول تا سوم را کسب کرده‌اند.

جدول ۵. رتبه‌بندی با آزمون فریدمن جهت مفاهیم اولیه مربوط به مدرسان (TE)

رتبه اهمیت	نمره اهمیت	مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه
۱	۱۳/۱۳	آشنایی کامل مدرسان با مفاهیم پایه کارآفرینی	مهارت و توانایی مدرسان
۵	۱۲/۷۵	توانایی ارتباط مؤثر با دانشجویان با تیپ‌های شخصیتی متفاوت	
۶	۱۲/۶۸	توانایی ایجاد محیطی چالش‌انگیز، حمایتی و مثبت	

ادامه جدول ۵. رتبه‌بندی با آزمون فریدمن جهت مفاهیم اولیه مربوط به مدرسان (TE)

رتبه اهمیت	نمره اهمیت	مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه
۱۶	۹/۰۲	توانایی آشناسازی دانشجویان با مباحث کاربردی	مهارت و توانایی مدرسان
۱۰	۱۱/۲۳	توانایی ایجاد رقابت سازنده در دانشجویان	
۷	۱۲/۴۸	ترغیب فعالانه دانشجویان برای پیگیری ایده‌ها	
۱۷	۸/۶۳	توانایی ایجاد اعتمادبه‌نفس در دانشجویان برای راه‌اندازی کسب‌وکار در آینده	
۲	۱۳/۰۱	توانایی ارائه مشاوره شغلی به دانشجویان بر اساس استعداد آنان	مهارت و توانایی مدرسان
۱۵	۹/۲۳	توانایی ارائه نقش‌منثور توسط مدرسان	
۴	۱۲/۸۷	شناخت بازار	
۱۴	۹/۴۶	تجربه عملی	
۸	۱۲/۰۳	توانایی تغییر در بینش و رفتار دانشجویان	برگزاری دوره‌های ضمن خدمت
۹	۱۱/۸۹	استمرار در برگزاری دوره‌های موجود ضمن خدمت	
۱۲	۱۰/۲۳	برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت عملی	
۱۱	۱۰/۷۶	وجود نیروهای با توان به‌کارگیری روش تدریس متناسب با اهداف و محتوای کتاب‌های کارآفرینی	
۱۳	۱۰/۱۹	وجود نیروی متخصص با تجربه عملی برای تدریس	مدرسان
۳	۱۳/۰۰	وجود مدرسان با تحصیلات آکادمیک مرتبط با کارآفرینی	

در مقوله مربوط به مدرسان با استفاده از آزمون فریدمن در بین مؤلفه‌های مورد بررسی «آشنایی کامل مدرسان با مفاهیم پایه کارآفرینی»، «توانایی ارائه مشاوره شغلی به دانشجویان بر اساس استعداد آنان»، «وجود مدرسان با تحصیلات آکادمیک مرتبط با کارآفرینی»، «شناخت بازار» و «توانایی ارتباط مؤثر با دانشجویان با تیپ‌های شخصیتی متفاوت» به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم را کسب کرده‌اند. به‌منظور تعیین اولویت مفاهیم اولیه مربوط به دانشجویان (ST) با استفاده از آزمون فریدمن، نتایج نشان داد؛ سه معیار «آمادگی ذهنی دانشجویان برای پذیرش فعالیت کارآفرینانه»، «بسترسازی علمی و عملی در سال‌های گذشته برای تدریس به دانشجویان» و «نگرش مثبت دانشجویان به درس کارآفرینی» به ترتیب اولویت اول تا سوم را به‌دست آوردند. نتایج در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶. رتبه‌بندی با آزمون فریدمن جهت مفاهیم اولیه مربوط به دانشجویان (ST)

رتبه اهمیت	نمره اهمیت	مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه
۳	۱۰/۶۱	نگرش مثبت دانشجویان به درس کارآفرینی	نگرش دانشجویان
۴	۱۰/۵۶	تمایل دانشجویان به کارآفرینی	
۶	۱۰/۰۳	انگیزه دستیابی به استقلال مالی	
۱	۱۱/۲۳	آمادگی ذهنی دانشجویان برای پذیرش فعالیت کارآفرینانه	آمادگی دانشجویان
۲	۱۱/۰۱	بسترسازی علمی و عملی در سال‌های گذشته برای تدریس به دانشجویان	
۵	۱۰/۲۳	آشنایی دانشجویان با کار تیمی	
۹	۹/۶۵	انگیزه مثبت بالا	داشتن ویژگی‌های کارآفرینانه
۱۰	۹/۳۴	داشتن اعتمادبه‌نفس	
۱۱	۹/۲۳	وجود استعدادها کارآفرینی	
۱۳	۸/۸۶	ریسک‌پذیری	
۱۲	۹/۰۱	خلاقیت	
۸	۹/۸۰	مهارت خرید و فروش	
۷	۹/۸۷	ذهن خلاق و توانایی حل مسئله	

جدول ۷. رتبه‌بندی با آزمون فریدمن جهت مفاهیم اولیه مربوط به استراتژی‌های دولت و وزارت علوم در خصوص توسعه کارآفرینی (GH)

رتبه اهمیت	نمره اهمیت	مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه
۳	۱۰/۲۳	شروع آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی و متوسطه	
۷	۸/۸۸	آموزش دروس مرتبط عملی در دوران مدرسه	طراحی برنامه‌ریزی آموزشی کارآفرین محور
۴	۹/۹۱	پیگیری درس کارآفرینی در پایه‌های بالاتر	در دوران تحصیل
۶	۹/۱۲	تدریس درس کارآفرینی به صورت اجباری در تمامی مدارس و دانشگاه‌ها	
۱	۱۰/۵۹	زیرساخت‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها	
۲	۱۰/۵۰	بهبود بودجه و وضعیت مالی آموزش عالی و دانشگاه‌ها	حمایت آموزش عالی و دانشگاه‌ها از آموزش کارآفرینی
۱۳	۶/۹۶	پشتیبانی معنوی	
۵	۹/۵۳	ایجاد دانشکده‌ها و مؤسسات آموزش کارآفرینی	
۱۲	۷/۲۰	اصلاحات ساختاری و نهادی برای توسعه کارآفرینی	اقدامات دولت برای تقویت اکوسیستم کارآفرینی کشور
۱۰	۷/۹۸	تقویت چارچوب مقرراتی و زیرساختی حمایت‌کننده از کارآفرینان و سعی در بهبود فضای کسب و کار	
۹	۸/۴۳	ارائه تسهیلات و حمایت مادی و غیرمادی از دانشجویان کارآفرین	
۸	۸/۸۰	وجود سازوکارهای لازم در ساختار آموزش عالی جهت همکاری مؤثر با دانشگاه و صنعت	ساختار مدیریتی آموزش عالی
۱۱	۷/۵۶	تقویت سیستم مدیریت دانش در آموزش عالی	

نتایج جدول (۷) نشان می‌دهد که در مقوله مربوط به استراتژی‌های دولت و وزارت علوم در خصوص توسعه کارآفرینی، معیارهای «زیرساخت‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها» و «بهبود بودجه و وضعیت مالی آموزش عالی و دانشگاه‌ها» به ترتیب اولویت اول و دوم را در میان سایر عوامل کسب کردند.

جدول ۸. رتبه‌بندی با آزمون فریدمن جهت مفاهیم اولیه مربوط به دانشگاه‌ها (CA)

رتبه اهمیت	نمره اهمیت	مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه
۷	۲/۲۶	فضای مناسب کلاس‌ها برای تدریس روش‌های آموزش و انجام کار تیمی	
۴	۳/۰۱	تجهیز مدارس به تکنولوژی‌های آموزشی روز و مدرن	محیط آموزشی حرفه‌ای
۶	۲/۵۶	ایجاد فضای رقابتی	
۱	۳/۹۰	حمایت مدیران دانشگاه از کارآفرینی	
۳	۳/۲۳	بها دادن و بحث در مورد بهبود مهارت‌های کارآفرینی در جلسات و برنامه‌ها	گفتمان غالب به آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها
۵	۲/۸۹	تدریس درس کارآفرینی در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی	
۲	۳/۶۱	وجود سرمایه انسانی غنی و مستعد با ذهنیت توسعه کارآفرینی	سرمایه انسانی غنی و مستعد

نتایج آزمون فریدمن در مقوله مربوط به نقش دانشگاه‌ها، نشان داد، سه معیار «حمایت مدیران دانشگاه از کارآفرینی»، «وجود سرمایه انسانی غنی و مستعد با ذهنیت توسعه کارآفرینی» و «بها دادن و بحث در مورد بهبود مهارت‌های کارآفرینی در جلسات و برنامه‌ها» دارای بالاترین اولویت از نظر پاسخگویان اعلام شده است (جدول ۸). نتایج جدول (۹) اولویت‌بندی معیارهای مقوله مربوط به جامعه نیز نشان داد، سه معیار «آگاهی والدین دانشجویان با کارآفرینی و مزایای آن، برای ترغیب فرزندان» «ارزش و احترام نسبت به کارآفرینان در جامعه» و «وجود نهادهای رسمی و غیررسمی حامی کارآفرینی در سطح جامعه و درون دانشگاه‌ها» به ترتیب اولویت اول تا سوم را از میان سایر عوامل به دست آوردند.

جدول ۹. رتبه‌بندی با آزمون فریدمن جهت مفاهیم اولیه مربوط به جامعه (SO)

رتبه اهمیت	نمره اهمیت	مفاهیم اولیه	مفاهیم ثانویه
۱	۴/۸۷	آگاهی والدین دانشجویان با کارآفرینی و مزایای آن، برای ترغیب فرزندان	الگوهای تربیتی
۴	۴/۰۱	متناسب بودن روش‌های تربیتی والدین برای کارآفرین شدن فرزندان	دانشجویان در خانواده
۶	۳/۵۰	وجود یک کارآفرین موفق به‌عنوان الگوی مناسب در خانواده دانشجویان	
۵	۳/۷۶	فرهنگ‌سازی در میان مسئولان و مدیران آموزش عالی	فرهنگ کارآفرینی در جامعه
۲	۴/۸۰	ارزش و احترام نسبت به کارآفرینان در جامعه	
۷	۳/۳۵	توجه رسانه‌های اجتماعی به ترویج کارآفرینی	
۸	۳/۳۰	استفاده از ظرفیت فضای مجازی جهت ترویج کارآفرینی و ترغیب دانشجویان به کارآفرینی	تبلیغات رسانه‌ها
۳	۴/۳۴	وجود نهادهای رسمی و غیررسمی حامی کارآفرینی در سطح جامعه و درون دانشگاه‌ها	وجود نهادهای حامی کارآفرینی

در نهایت با استفاده از آزمون فریدمن اولویت مقوله‌ها شناسایی گردید که بر اساس نظر پاسخگویان، استراتژی‌های دولت و وزارت علوم در خصوص توسعه کارآفرینی در اولویت اول و عوامل مربوط به دانشگاه در اولویت ششم قرار گرفت. نتایج ای آزمون در جدول (۱۰) خلاصه شده است.

جدول ۱۰. رتبه‌بندی مقوله‌ها با آزمون فریدمن

رتبه اهمیت	نمره اهمیت	مقوله
۵	۱/۶۴	عوامل مربوط به ابزار و شیوه آموزش (TM)
۴	۳/۳۷	عوامل مربوط به مدرسان (TE)
۲	۴/۵	عوامل مربوط به دانشجویان (ST)
۱	۴/۹	استراتژی‌های دولت و وزارت علوم در خصوص توسعه کارآفرینی (GH)
۶	۱/۵۷	عوامل مربوط به دانشگاه‌ها (CA)
۳	۳/۶۳	عوامل مربوط به جامعه (SO)

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش کارآفرینی باید به دنبال فراهم‌سازی شرایط وقوع یادگیری کارآفرینانه در جهت تحقق هدف توسعه صلاحیت‌های کارآفرینی فراگیران باشد. آموزش کارآفرینی همانند تمامی فرآیندهای آموزشی دیگر، بر محوریت یاددهی - یادگیری و تسهیل شرایط یادگیری استوار است. لذا کم و کیف وقوع یادگیری کارآفرینی یا تغییر نسبتاً پایدار و متوازن در ابعاد دانشی و شناختی، مهارتی و غیره در رفتار فراگیران در راستای کارآفرین بودن و کارآفرین شدن بستگی دارد. پژوهش حاضر، پژوهشی کاربردی، از نوع مطالعات آمیخته اکتشافی با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر آموزش کارآفرینی برای دانشجویان عراقی با هدف خوداشتغالی انجام شده است. نتیجه کدگذاری مصاحبه‌ها ۷۴ مفهوم اولیه، ۲۰ مفهوم ثانویه و ۶ مقوله بود که با بررسی و تحلیل آن‌ها در بخش کمی، اوزان مقوله‌ها نشان داد که مقوله استراتژی‌های دولت و وزارت علوم در خصوص توسعه کارآفرینی (GH) در رتبه اول و پس از آن مقوله عوامل مربوط به دانشجویان (ST) در رتبه دوم و عوامل مربوط به جامعه (SO) و عوامل مربوط به مدرسان (TE) در رتبه‌های سوم و چهارم اهمیت قرار دارند. همچنین عوامل مربوط به ابزار و شیوه آموزش (TM) و عوامل مربوط به دانشگاه‌ها (CA) رتبه‌های بعدی اولویت را به خود اختصاص داده‌اند.

آموزش کارآفرینی لازمه توسعه کارآفرینی است و بر همین اساس دولت‌ها و به تبع آن، وزارت علوم بایستی در زمینه سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های آموزشی کارآفرینی ایفای نقش کنند. به‌طورکلی می‌توان نقش

سیاست‌گذاری و اجرایی دولت‌ها در توسعه آموزش کارآفرینی را گام اول بهبود آموزش کارآفرینی در هر کشوری دانست. دولت از طریق اعمال خط‌مشی در وزارتخانه‌ها و وزارت علوم می‌تواند موجب شکوفایی کارآفرینی و آموزش کارآفرینی شود. طراحی برنامه‌ریزی آموزشی کارآفرین‌محور در دوران تحصیل، حمایت آموزش عالی و دانشگاه‌ها از آموزش کارآفرینی، اقدامات دولت برای تقویت اکوسیستم کارآفرینی کشور و ساختار مدیریتی آموزش عالی از جمله مفاهیمی است که از مصاحبه‌ها استخراج گردید. در بخش کمی نیز با استفاده از آزمون فریدمن، عوامل «زیرساخت‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها» و «بهبود بودجه و وضعیت مالی آموزش عالی و دانشگاه‌ها» در رتبه اول و دوم اولویت از نظر پاسخ‌دهندگان قرار داشتند که در مطالعات علی (۲۰۲۳) و بیگم و بایسیرو (۲۰۲۳) نیز بر آن‌ها اشاره شده است. از نظر پاسخ‌گویان، توجه دولت به زیرساخت‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها جهت آموزش کارآفرینی دارای بالاترین اولویت بوده است زیرا تا زمانی که زیرساخت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها فراهم نباشد، زمینه کارآفرینی و آموزش کارآفرینی نیز به خودی خود فراهم نمی‌گردد؛ بنابراین دولت‌ها و نهادهای سیاست‌گذار باید بودجه‌هایی را به فراهم ساختن زیرساخت‌های لازم آموزشی اختصاص دهند تا مراکز آموزش عالی بدون دغدغه به امر آموزش کارآفرینی بپردازند و زمینه تغییر نگرش دانشجویان و اشتغال‌زایی آن‌ها را فراهم نمایند.

افزون بر عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آموزش کارآفرینی، خود دانشجو و کارآفرین نیز در کیفیت این آموزش‌ها نقش ویژه‌ای دارد. مسلم است افرادی که آمادگی بیشتری برای آموزش دارند، نگرش مناسب‌تری به کارآفرینی دارند و همچنین داری ویژگی‌های مثبت کارآفرینی هستند و اثرگذاری آموزشی بهتری نیز خواهند داشت. در کشورهای پیشرفته مطالعات زیادی در باره مسائل روانشناسی و جامعه‌شناسی کودکان و نوجوانان انجام گرفته است و این موضوع باعث می‌شود که کودکان و نوجوانان در این کشورها با توانایی بیشتری نسبت به کشورهای دیگر رشد کنند. در بین عوامل مربوط به دانشجویان، سه معیار «آمادگی ذهنی دانشجویان برای پذیرش فعالیت کارآفرینانه»، «بسترسازی علمی و عملی در سال‌های گذشته برای تدریس به دانشجویان» و «نگرش مثبت دانشجویان به درس کارآفرینی» به ترتیب اولویت اول تا سوم را به‌دست آوردند. آمادگی ذهنی دانشجویان برای پذیرش فعالیت کارآفرینانه، بسترسازی علمی و عملی در سال‌های گذشته برای تدریس به دانشجویان و آشنایی دانشجویان با کار تیمی از مهم‌ترین مفاهیم مورد تأکید بودند. همچنین مفهوم ثانویه نگرش کارآفرینانه با مفاهیم نگرش مثبت دانشجویان به درس کارآفرینی، تمایل دانشجویان به کارآفرینی و انگیزه دستیابی به استقلال مالی و مفهوم ثانویه داشتن ویژگی‌های کارآفرینانه با مفاهیم اولیه انگیزه مثبت بالا، داشتن اعتمادبه‌نفس، وجود استعدادها، کارآفرینی، ریسک‌پذیری، خلاقیت، مهارت خرید و فروش، ذهن خلاق و توانایی حل مسئله در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. عوامل مربوط به دانشجویان در پژوهش‌های ادویل و همکاران (۲۰۱۹) و شاه و همکاران (۲۰۲۰) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

کارآفرینان از دل جامعه بیرون می‌آیند؛ یکی از نکات تأمل‌برانگیز در جامعه آن است که هنوز پس از گذشت سال‌ها، واژه کارآفرینی مفهوم واقعی خود را به اذهان متبادر نمی‌کند و در بسیاری از مواقع، از کارآفرینی صرفاً به‌عنوان راه‌حلی برای رفع معضل بیکاری یاد می‌شود و مرزبندی بین بحث کارآفرینی و اشتغال وجود ندارد. در نتیجه چنین تعبیری از کارآفرینی و به تبع آن تنظیم سیاست‌های حمایتی و تشویقی مربوطه طی سالیان گذشته، دستگاه‌ها و نهادهای فعال در موضوع کارآفرینی از رسالت اصلی خود بازمانده‌اند. مطالعات مربوط به گذشته کارآفرینان، نشان می‌دهد آنان در دوران کودکی دارای ارزش‌های خاص اتکا و استقلال بوده‌اند و خانواده‌های آنان در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند. اگر فرهنگ و روند تربیتی افراد در جامعه با کارآفرینی در حیطه مورد

نظر ناسازگار باشد یکی از مهم‌ترین موانع برای آموزش کارآفرینی در آن حیطه خواهد بود؛ اما اگر با آن‌هم سو و هم‌جهت باشد، خود زمینه‌ساز و بسترساز توسعه و اثربخشی آموزش‌های کارآفرینی در حیطه مورد نظر خواهد بود. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که سه معیار «آگاهی والدین دانشجویان با کارآفرینی و مزایای آن، برای ترغیب فرزندان» «ارزش و احترام نسبت به کارآفرینان در جامعه» و «وجود نهادهای رسمی و غیررسمی حامی کارآفرینی در سطح جامعه و درون دانشگاه‌ها» به ترتیب اولویت اول تا سوم را از میان سایر عوامل به‌دست آوردند. در آموزش کارآفرینی، مناسب‌تر است هر برنامه‌ای که برای دانشجویان گذاشته شود، والدین هم همراه آن باشند. الگوهای تربیتی نادرست والدین، می‌تواند اثربخشی آموزش کارآفرینی برای دانشجویان را بسیار کاهش دهد. آگاهی والدین دانشجویان با کارآفرینی و مزایای آن، برای ترغیب فرزندان، متناسب بودن روش‌های تربیتی والدین برای کارآفرین شدن فرزندان و وجود یک کارآفرین موفق به‌عنوان الگوی مناسب در خانواده دانشجویان از مهم‌ترین مفاهیم مورد تأکید مشارکت‌کنندگان بود. پس از آن مفاهیم ثانویه ارزش و احترام نسبت به کارآفرینان و وجود نهادهای حامی کارآفرینی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نتایج به‌دست‌آمده، با نتایج پژوهش‌های علی (۲۰۲۳) و بیگم و بایسیرو (۲۰۲۳) هم‌راستا است.

توجه به خلاقیت و نوآوری مدرسان در ارائه آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها نقش مهمی در تقویت قصد کارآفرینانه دانشجویان برای تبدیل شدن به کارآفرین ایفا می‌کند. مدرسان دوره‌ها یا دروس کارآفرینی قادرند با به‌کارگیری فنون و ابزارهای خلاقانه به تقویت دانش و قابلیت‌های کارآفرینانه دانشجویان بپردازند. همچنین آن‌ها قادرند با استفاده از روش‌های مقتضی مهارت تفکر خلاقانه را در دانشجویان ارتقاء بخشند. اتخاذ رویکرد آموزشی نتیجه‌محور از سوی مدرسان موجب طرح‌ریزی فعالیت‌های هدفمند آموزشی کارآفرینی و انعطاف‌پذیری و ارتقاء شیوه‌های آموزش کارآفرینی می‌گردد. مدرسان دوره‌های آموزش کارآفرینی بایستی از روش‌های آموزشی سنتی فراتر رفته و مهارت‌هایی چون تفکر غیرخطی را نیز به دانشجویان بیاموزند. خلاقیت مدرسان یک جنبه ضروری از آموزش کارآفرینی است که موجب یادگیری عمیق کارآفرینی در دانشجویان می‌گردد.

خلاقیت مدرسان مفهومی چندوجهی است. نخست، مدرسان خلاق از فنون، ابزارها و روش‌های یادگیری استفاده می‌کنند که موجب توسعه خلاقیت دانشجویان می‌گردد. دوم، از شیوه‌هایی استفاده می‌کنند که موجب بهبود مهارت‌های تفکر فعالانه و خلاق دانشجویان می‌گردد. سوم، مدرسان خلاق وظایفی را برای دانشجویان تعیین می‌کنند که آن‌ها را قادر می‌سازد از استراتژی‌های متنوعی مانند طوفان مغزی، انعکاس با بازگشت، تأمل، تجزیه و تحلیل و روابط علی برای حل مشکلات استفاده کنند. چهارم، فعالیت‌هایی را طراحی می‌کنند که بتوانند به دانشجویان تفکر خلاقانه و ابتکاری را تعلیم دهند. پنجم، مدرسان خلاق همیشه دانشجویان را در وضعیتی قرار می‌دهند که بتوانند در آن به کشف نوآورانه منابع و ایده‌ها بپردازند. نتایج بررسی نشان داد مفهوم آشنایی کامل مدرسان با مفاهیم پایه کارآفرینی در رتبه اول اهمیت قرار دارد.

توانایی ارتباط مؤثر با دانشجویان با تیپ‌های شخصیتی متفاوت، توانایی ایجاد محیطی چالش‌انگیز، حمایتی و مثبت، توانایی آشناسازی دانشجویان با مباحث کاربردی مثل معرفی سازمان‌های حمایتی، توانایی ایجاد رقابت سازنده در دانشجویان، ترغیب فعالانه دانشجویان برای پیگیری ایده‌ها، توانایی ایجاد اعتمادبه‌نفس در دانشجویان برای راه‌اندازی کسب‌وکار در آینده، توانایی ارائه مشاوره شغلی به دانشجویان بر اساس استعداد آنان، توانایی ارائه نقش‌من‌تور توسط مدرسان، شناخت بازار، تجربه عملی، توانایی تغییر در بینش و رفتار دانشجویان از مهم‌ترین مفاهیم مورد اشاره بود. همچنین برگزاری دوره‌های ضمن خدمت و توازن کمیت و کیفیت مدرسان در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار دارند. نتایج پژوهش ادویل و همکاران (۲۰۱۹) در این خصوص هم‌راستا است.

ابزار و شیوه خاص آموزشی که بتوان آن را به عنوان بهترین روش معرفی کرد وجود ندارد. اغلب کسانی هم که در رابطه با معرفی روش‌ها، ابزار و شیوه آموزش مطالعات گسترده انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از یک روش خاص در آموزش کارآفرینی نمی‌تواند ضامن رسیدن به هدف باشد، همیشه و در رابطه با افراد مختلف مجموعه‌ای از روش‌ها می‌تواند تسهیل‌کننده یادگیری باشد و نتیجه را به سمت و سوی خاص خود هدایت نماید. بدیهی است که هیچ‌یک از روش‌های تدریس، روش قطعی و کاملی نیستند و تسلط معلم بر روش‌ها و فنون مختلف آموزشی یکی از ملاک‌های شایستگی معلمان به حساب می‌آید. نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که مفهوم تدوین اهداف و محتواهای آموزشی بر اساس نیازهای جامعه (دانش، مهارت و نگرش) در رتبه اول قرار دارد. زمانی که محتوای ارائه شده به دانشجویان بر اساس نیازهای جامعه و شرایط روز طراحی نشده باشد دانشجویان دچار سردرگمی می‌شوند و آموزش‌هایی را که دیده‌اند بیهوده و عبث می‌پندارند. چه بسا که اقدام به ترک تحصیل نمایند که نه تنها در زمینه خوداشتغالی و کارآفرینی اقدامی نشده است بلکه نتیجه عکس نیز احراز شده است. پس از آن مفاهیم ثانویه حرکت از آموزش محتوا محوری به مسئله محوری و معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور عراق، نیازهای بازار، مشتریان، کارفرمایان و بخش‌های مختلف اقتصادی و خدماتی در رتبه‌های دوم و سوم اولویت قرار دارند. نتایج پژوهش علی (۲۰۲۳) و بیگم و بایسیرو (۲۰۲۳) با نتایج این بخش از پژوهش هم‌راستا بود.

از جمله عوامل مؤثر در ارتقای سطح و توسعه فرهنگ کارآفرینی جوامع، آموزش آن در دانشگاه‌ها است. دانشگاه‌ها به عنوان متولی اصلی پرورش نیروی متخصص جامعه، نقش کلیدی و تعیین‌کننده در توسعه کارآفرینی در کشور دارند. از این رو، یکی از مهم‌ترین و جدیدترین مأموریت‌های کلیدی دانشگاه‌ها، توسعه و پرورش کارآفرینان بالقوه است. امروزه صاحب‌نظران دریافته‌اند که سرمایه اصلی دانشگاه‌های آینده از فارغ‌التحصیلان کارآفرین موفق تأمین خواهد شد؛ لذا باید از هم‌اکنون برای آن برنامه‌ریزی نمود. به همین دلیل در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته به‌طور برجسته‌ای بر آموزش کارآفرینی تأکید می‌شود؛ به گونه‌ای که گزارش‌های دولتی و مستقل به‌طور مکرر بر آموزش بیشتر کارآفرینی در همه سطوح و رشته‌های دانشگاهی توصیه می‌کنند. نتایج آزمون فریدمن مربوط به دانشگاه‌ها نشان داد که مفهوم حمایت مدیران دانشگاه از کارآفرینی در رتبه اول قرار دارد که حکایت از اهمیت نقش مدیران دانشگاه در تعیین خط‌مشی و سیاست‌های دانشگاه در جهت تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین دارد؛ بنابراین باید مدیران تمام تلاش خود را در جهت تبدیل شدن به دانشگاه کارآفرین نمایند. گفتمان غالب به آموزش کارآفرینی، بها دادن و بحث در مورد بهبود مهارت‌های کارآفرینی در جلسات و برنامه‌ها و تدریس درس کارآفرینی در بسیاری از رشته‌های دانشگاهی مهم‌ترین مفاهیم اولیه را شامل شدند. یافته‌های به‌دست‌آمده با نتایج پژوهش الدهان و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد.

در ادامه پیشنهادهای کاربردی حاصل از نتایج پژوهش ارائه می‌گردد:

۱. پیشنهاد می‌گردد در محتوای برنامه‌های آموزشی که در دانشگاه در خصوص تدریس فعالیت‌های کارآفرینی که با هدف خوداشتغالی صورت می‌گیرد، با توجه به وضعیت موجود دانشجویان و با تأکید بر سرفصل‌هایی از قبیل طرح کسب‌وکار، روش‌های جذب منابع مالی، بازاریابی، مدیریت و برنامه‌ریزی کسب‌وکارهای کوچک، گسترش تخصص‌های حرفه‌ای در دانشجویان عراقی و ایجاد مهارت‌های چندگانه مانند مهارت‌های رهبری، فنی، انسانی بازمینی به عمل آید.

۲. پیشنهاد می‌گردد جهت حل معضل بیکاری در جامعه عراق و آمادگی در رقابت‌های اقتصادی، پرورش ایده‌های خلاق و کارآفرینانه برای هماهنگی با دنیای جدید انجام گردد و تلاش در جهت کسب سیاست‌های مدبرانه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کنار برنامه‌های راهنمایی و مشاوره شغلی توسط دانشجویان عراقی صورت گیرد

تا با ارائه شیوه‌های مناسب بتوان در سطوح مختلف به پرورش افراد خلاق و کارآفرین و تفکر خوداشتغالی، پیشگیری از افزایش بیکاری و عواقب ناشی از آن اقدام نمود.

۳. پیشنهاد می‌گردد سیاست‌های تدوین دروس دانشگاهی مربوط به کارآفرینی اصلاح شود و بیشتر دروس عملی و کاربردی و منطبق با شرایط واقعی بازار کار آموزش داده شود تا گامی اساسی در جهت آشنایی افراد با نحوه کاربرد آموخته‌هایشان در صحنه عمل برداشته شود.

۴. پیشنهاد می‌گردد در آموزش کارآفرینی توجه ویژه‌ای به شیوه‌های جدید (روش‌های فعال)، از قبیل روش‌های پروژه، شیوه‌های تجربی و عملی و حل مسئله معطوف گردد.

۵. ایجاد ساختارهای انعطاف‌پذیر و خلاق در محیط دانشگاه‌ها جهت مشاوره شغلی و حرفه‌ای به دانشجویان جهت تسریع در فرایند شروع کسب‌وکار پیشنهاد می‌گردد، همچنین ترغیب اساتید دانشگاهی به حضور در چنین مکان‌هایی جهت انتقال تجربیات عملی خود به دانشجویان ضمن افزایش اعتبار این مراکز، تشویق دانشجویان به حضور و بهره‌گیری مؤثرتر از چنین مشاوره‌هایی را در پی خواهد داشت.

۶. کاربردی کردن رشته‌های تحصیلی دانشگاهی به‌منظور آشنایی هرچه بیشتر دانشجویان عراقی با نحوه ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه به‌ویژه در رشته‌های فنی، مهندسی، کشاورزی، مدیریت، اقتصاد و بازرگانی پیشنهاد می‌گردد.

۷. ترویج فرهنگ کارآفرینی و بهبود ویژگی‌های آن، برنامه‌ریزی و پژوهش لازم با هماهنگی رسانه‌های عمومی و نشریات صورت گرفته و اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی لازم در این خصوص پیشنهاد می‌گردد.

۸. بهره‌گیری از الگوهای آموزشی مبتنی بر استاد شاگردی (کارورزی دانشجویان عراقی در یک دوره تجربی) نزد کارآفرینان موفق به‌منظور الهام‌گیری عملی از تجربیات کسب‌وکار پیشنهاد می‌گردد چراکه این قبیل اقدامات می‌تواند انگیزه‌ها و خلاقیت‌های خوداشتغالی دانشجویان را بیش‌تر نماید.

جهت انجام پژوهش‌های آتی ارائه یک مدل برای توسعه فرهنگ کارآفرینی در میان دانشجویان عراقی پیشنهاد می‌گردد. از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهشی می‌توان به عدم همکاری کافی برخی از مشارکت‌کنندگان در طول پژوهش اشاره کرد.

سپاسگزاری

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی است که با حمایت دانشگاه گرمیان واقع در شهر کلار در کشور عراق انجام پذیرفته است که بدین‌وسیله از کلیه حمایت‌های مسئولین آن دانشگاه تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

- صبا، علی اصغر؛ نادری، نادر؛ رضایی، بیژن؛ محمدی‌فر، یوسف (۱۴۰۲). ارائه مدلی پارادایمیک برای توسعه آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌های نسل سوم؛ کاربست نظریه بنیانی. *آموزش و مدیریت کارآفرینی*، ۲ (۱)، ۷۴-۵۹. doi: 10.22126/eme.2023.9222.1031
- مختاری بایع کلایی، مهران؛ کهن قاضیانی، سارا (۱۴۰۲). بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینانه با نقش میانجی ذهنیت کارآفرینانه (مورد مطالعه: دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس). *آموزش و مدیریت کارآفرینی*، ۲ (۲)، ۹۶-۷۹. doi: 10.22126/eme.2023.8790.1015

References

- Abereijo, I. O. (2014). Developing entrepreneurial competences in university lecturers: Obafemi Awolowo University Experience. *KCA Journal of Business Management*, 6 (1), 30-42.
- Aldahhan, J. M., Abbas, Z. A., & Albayati, G. M. A. (2018). Impact of strategic learning dimensions

- on academic entrepreneurship for Iraqi higher education institutions. *International Journal of Advance Research, Ideas and Innovations in Technology*, 4 (6), 1-17.
- Ali, M. D. A. A. N. (2023). Developing entrepreneurial skills to enable graduates in Iraqi universities to employ. *Warith Scientific Journal*, 5 (1), 1-22.
- Aziz, H. A. (2014). *Factors Affecting Unemployment in Iraq*. A dissertation for the MSc in Social Statistics, School of Social Sciences, University of Southampton.
- Bacigalupo, M., Kamyli, P., Punie, Y., & Van den Brande, G. (2016). EntreComp: The entrepreneurship competence framework. *Luxembourg: Publication Office of the European Union*, 10, 593884.
- Bartnick, A. (2017). *Obstacles and Opportunities for Entrepreneurship in Iraq & the Kurdistan Region*. Retrieved from *The American University of Iraq-Sulaimani*. Available on: <http://auis.edu.krd/iris/publications/obstacles-and-opportunities-entrepreneurship-iraq-and-kurdistan-region>.
- Begum, S., & Basiru, M. (2023). Formal Education System in Iraq: Upskilling and Reskilling for Employment and Self-Reliance. *Eurasian Journal of Management & Social Sciences*, 4 (1), 101-116.
- Ciptono, W. S., Anggadwita, G., & Indarti, N. (2023). Examining prison entrepreneurship programs, self-efficacy and entrepreneurial resilience as drivers for prisoners' entrepreneurial intentions. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 29 (2), 408-432.
- Dickson, M., & Ladefoged, S. E. (2017). Introducing active learning pedagogy into a technical and vocational education and training academy in Kurdistan, Iraq. *International Review of Education*, 63 (5), 679-702.
- Drew, V., & Mackie, L. (2011). Extending the constructs of active learning: Implications for teachers' pedagogy and practice. *The Curriculum Journal*, 22 (4), 451-467.
- Fayolle, A., Gailly, B., & Lassas-Clerc, N. (2006). Assessing the impact of entrepreneurship education programs: A new methodology. *Journal of European Industrial Training*, 30 (9), 701-720.
- Gerba, D. T. (2012). Impact of entrepreneurship education on entrepreneurial intentions of business and engineering students in Ethiopia. *African Journal of Economic and Management Studies*, 3 (2), 258-277.
- Gibb, A. (2005). The future of entrepreneurship education—Determining the basis for coherent policy and practice. *The dynamics of learning entrepreneurship in a cross-cultural university context*, 2 (1), 44-67.
- Henry, C., & Lewis, K. (2018). A review of entrepreneurship education research: Exploring the contribution of the Education + Training special issues. *Education+ Training*, 60 (3), 263-286.
- Li, G., Long, Z., Jiang, Y., Huang, Y., Wang, P., & Huang, Z. (2023). Entrepreneurship education, entrepreneurship policy and entrepreneurial competence: Mediating effect of entrepreneurship competition in China. *Education & training*, 65 (4), 607-629.
- Lin, J., Qin, J., Lyons, T., Nakajima, H., Kawakatsu, S., & Sekiguchi, T. (2023). The ecological approach to construct entrepreneurship education: a systematic literature review. *Journal of Entrepreneurship in Emerging Economies*, 15 (6), 1333-1353.
- Mahmud, S. F. (2013). The higher education in Iraq challenges and recommendations. *Journal of Advanced Social Research*, 3 (9), 255-264.
- Maina, S. (2014). The role of entrepreneurship education on job creation among youths in Nigeria. *International Letters of Social and Humanistic Sciences*, 1 (4), 87-96.
- Makki, K. A., Hussein, J. S., & Abdulqadir, Z. (2019). Effect of Entrepreneurship Education on University Students Entrepreneurial Skills and Intentions in the Kurdistan Region of Iraq. International Conference on Accounting, Business, Economics and Politics. Erbil: Tishk International University.
- Manafe, M. W. N., Ohara, M. R., Gadzali, S. S., Harahap, M. A. K., & Ausat, A. M. A. (2023). Exploring the Relationship Between Entrepreneurial Mindsets and Business Success: Implications for Entrepreneurship Education. *Journal on Education*, 5 (4), 12540-12547.

- Mayhew, M. J., Simonoff, J. S., Baumol, W. J., Selznick, B. S., & Vassallo, S. J. (2016). Cultivating innovative entrepreneurs for the twenty-first century: A study of U.S. and German students. *Journal of Higher Education*, 87 (3), 420-455.
- Miço, H., & Cungu, J. (2023). Entrepreneurship Education, a Challenging Learning Process towards Entrepreneurial Competence in Education. *Administrative Sciences*, 13 (1), 1-22.
- Mokaya, S.O., Namusonge, M. & Sikalieh, D. (2012). The concept of entrepreneurship; in pursuit of a universally acceptable definition. *International Journal of Arts and Commerce*, 1 (6), 128-135.
- Mokhtari Bayekolaie, M., & Kohan Ghaziyani, S. (2023). Investigating the Effect of Entrepreneurship Education on Entrepreneurial Intention with the Mediating Role of Entrepreneurial Mindset (Study Case: Islamic Azad University, Bandar Abbas Branch). *Education and Management of Entrepreneurship*, 2 (2), 79-96. (in Persian) doi: 10.22126/eme.2023.8790.1015
- Mustapha, M. & Selvaraju, M. (2015). Personal attributes, family influences, entrepreneurship education and entrepreneurship inclination among university students. *Kajian Malaysia*, 33 (1), 155-172.
- Nabi, G., Liñán, F., Fayolle, A., Krueger, N., & Walmsley, A. (2017). The impact of entrepreneurship education in higher education: A systematic review and research agenda. *Academy of Management Learning & Education*, 16 (2), 277-299.
- Ndou, V. (2021). Social entrepreneurship education: A combination of knowledge exploitation and exploration processes. *Administrative Sciences*, 11 (4), 100-112.
- Nikitina, T., Licznarska, M., Ozoliņa-Ozola, I., & Lapina, I. (2023). Individual entrepreneurial orientation: Comparison of business and STEM students. *Education & Training*, 65 (4), 565-586.
- Nji, I. A. (2020). Entrepreneurial Skills Acquisition of Senior Secondary School Economics Students in Oshimili Local Government Area of Delta State: Panacea for Boosting Self Employment. *International Journal of Studies in Education*. 16(2), 36-49.
- Odeewale, G. T., Abd Hani, S. H., Migiro, S. O., & Adeyeye, P. O. (2019). Entrepreneurship education and students'views on self-employment among international postgraduate students in universiti utara malaysia. *Journal of Entrepreneurship Education*, 22 (1), 1-15.
- Olutuase, S. O., Brijlal, P., & Yan, B. (2023). Model for stimulating entrepreneurial skills through entrepreneurship education in an African context. *Journal of Small Business & Entrepreneurship*, 35 (2), 263-283.
- Oyelola, O. T., Igwe, N. C., Ajiboshin, I. O., & Peluola, S. B. (2014). Entrepreneurship education: Solution to youth unemployment in Nigeria. *Journal of Poverty, Investment and Development*, 5 (1), 149-157.
- Putra, S. S., Pabo, I., & Anwar, A. I. (2021). Boost student entrepreneurship intention: An overview theory of planned behavior. *Psychology and Education*, 58 (1), 54-59.
- Saba, A., Naderi, N., Rezaee, B., & Mohammadifar, Y. (2023). Presenting a Paradigmatic Model for the Development of Entrepreneurship Education in the Third Generation Universities: Application of the Grounded Theory. *Education and Management of Entrepreneurship*, 2 (1), 59-74. (in Persian) doi: 10.22126/eme.2023.9222.1031
- Saleh, H., & Idris, M. (2019). Determinant factors of entrepreneurial intention. *Journal of Engineering and Applied Sciences*, 14 (7), 2163-2170.
- Seikkula-Leino, J., Ruskovaara, E., Pihkala, T., Rodríguez, I. D., & Delfino, J. (2019). Developing entrepreneurship education in Europe: Teachers' commitment to entrepreneurship education in the UK, Finland and Spain. *The role and impact of entrepreneurship education*, 6 (1), 130-145.
- Shah, I. A., Amjed, S., & Jaboo, S. (2020). The moderating role of entrepreneurship education in shaping entrepreneurial intentions. *Journal of Economic Structures*, 9 (1), 1-15.
- Song, I. M. (2023). *What Makes Students Entrepreneurial: A Case Study of Students' Entrepreneurial Intention Using Three Antecedents of Intention*. University of California.

- Thoudam, P., Anwar, I., Bino, E., Thoudam, M., Chanu, A. M., & Saleem, I. (2023). Passionate, motivated and creative yet not starting up: A moderated-moderation approach with entrepreneurship education and fear of failure as moderators. *Industry and Higher Education*, 37 (2), 294-308.
- Valerio, A., Parton, B., & Robb, A. (2014). Entrepreneurship education and training programs around the world: Dimensions for success.
- Wang, W., Qiu, D., Chen, X., & Yu, Z. (2023). An empirical study on the evaluation system of innovation and entrepreneurship education in applied universities. *Computer Applications in Engineering Education*, 31 (1), 100-116.